



بررسی شاخص فرهنگی توسعه پایدار شهری

زهره احمدی

کارشناسی ارشد، باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

توسعه فرهنگی به معنای ایجاد تحول و خلق ارزش ها، روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب است که برای ارضای نیازهای آدمی، زمینه های لازم را در قالب اجتماع فراهم کند. توسعه فرهنگی در هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است و کشور و جامعه می تواند مبتنی بر سنت های تاریخی خود توسعه فرهنگی خاص خود را داشته باشند. در این پژوهش با توجه به مبانی نظری توسعه پایدار نگاهی گذرا به مفهوم فرهنگ، رشد و توسعه، توسعه فرهنگی و... شده است. پژوهش حاضر از نظر روش شناسی بر اساس هدف از نوع بنیادی نظری و کیفی است. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه های توسعه پایدار می باشد و بر اساس ماهیت از روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده ها از طریق مطالعات کتابخانه ای- اسنادی، مشاهدات میدانی گردآوری شده است. نتایج بدست آمده شاخص فرهنگی شهر به عنوان یکی از ملاک های توسعه یافتگی و پایداری شهری باید محقق گردد تا شهرها به توسعه پایدار ندست یابند به طور مشخص توسعه شهری بدون توسعه فرهنگی معنایی ندارد و منظور از فرهنگ همان ذهنیت های مردم است که به رفتار و اعمال آنها در جامعه جهت می دهد. در این تحقیق پیشنهاداتی عنوان گردید.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار شهری، توسعه فرهنگی، توسعه پایدار و شهرنشینی



مقدمه

توسعه فرهنگی، خاصیت ملی دارد و در درون هر کشور و جامعه ی خاص انجام می شود. به عبارت دیگر توسعه فرهنگی در هر کشور با کشور دیگر متفاوت است و کشور و جامعه میتواند مبتنی بر سنت های تاریخی خود، توسعه فرهنگی خاص خود را داشته باشد. توسعه فرهنگی نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی، پژوهش های ژرف و تطبیقی است بدون این پژوهش ها اقدام فرهنگی، فاقد درونگری و بی بهره از غنای لازم خواهد بود. توسعه فرهنگی مبتنی بر ارزش ها و اخلاق خاصی است. به عبارت دیگر در توسعه فرهنگی ارزش دآوری های فرهنگی وجود دارد زیرا بر اساس تعاریف مورد توافق، جدا سازی فرهنگ از ارزش ها قابل تصور نخواهد بود بنابراین در مفهوم توسعه پایدار (که فرهنگ رکن اساسی آن است) در واقع نوعی دآوری ارزشی مبتنی بر فرهنگ، به رسمیت شناخته شد و توسعه در قالب آن مطرح شد. با مطالعه و بررسی نظریه ها در خصوص توسعه ی فرهنگی، می توان گفت که توسعه ی فرهنگی؛ اولاً عبارت است از ایجاد تحول و خلق ارزش ها، روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب که برای ارضای نیازهای آدمی، زمینه های لازم را در قالب اجتماع فراهم می کند. دوماً، توسعه فرهنگی مربوط به تغییر و تحولات فرهنگی در داخل یک مرزبندی سیاسی است نه معطوف به سطح بین الملل. سوماً، توسعه فرهنگی در دو بعد ایستایی و پویای مطرح است.

در حقیقت مطرح شدن توسعه پایدار به عنوان شعار اصلی هزاره سوم ناشی از تأثیرات شهرها با گستره زیست کره و ابعاد مختلف زندگی انسانی است. بدون شک، بحث از پایداری و توسعه پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی بی معنا خواهد بود. شهرها به عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به شمار می روند و در واقع، پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند. بنابراین مسائل و مشکلات موجود به ویژه در شهرها نشانگر عدم تحقق مشخصه های توسعه پایداری در آنهاست. به طوری که جغرافیای شهری در این وضعیت، ابعاد و قلمروهای تازه ای می یابد و با بررسی مسائل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی، کیفیت دسترسی مردم شهرها به نیازهای اساسی، حوزه های اجتماعی و غیره ضمن ارزیابی و تحلیل فضایی از مشخصه های توسعه پایداری در مناطق و حوزه های شهری سعی دارد کمک کند تا محیط زیست شهری مناسبی برای ساکنان شهرها فراهم شود. بر این اساس، با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری ضروری می باشد. در واقع مفهوم توسعه پایدار مبین توسعه ای متعادل و همه سو نگر و عدالت محور است. توسعه پایدار نشانگر فرآیندی است که در طی آن باید پایداری اتفاق بیفتد و پایداری مجموعه ای از وضعیت هاست که در طول زمان باید تداوم داشته باشد. هدف توسعه پایدار ممانعت از فراگرد توسعه یا حتی کند ساختن روند آن نیست، بلکه به معنی، توسعه ای پویا، هدفمند و آینده نگرانه است. با تأکید بر این که ما برای ادامه حیات و نیز پیشبرد اهداف توسعه به محیط زیست نیاز داریم. راهبرد اصلی توسعه پایدار این است که رشد اقتصادی را با عدالت اجتماعی و حفاظت محیط زیست همراه گردانند. توسعه پایدار، توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده می سازد بدون اینکه توانایی نسل آینده را در برآورده ساختن نیازهای خویش محدود نماید. بدیهی است که بشر برای تأمین نیازهای خود ناگزیر از استفاده از منابع طبیعی است، اما با روش هایی چون افزایش بهره وری منابع و استفاده از انرژی های نو یا پاک می توان برداشت منابع طبیعی را به حداقل ممکن رساند. فرهنگ به عنوان یک مقوله انسانی نقش مهمی در توسعه پایدار و امنیت محیط ایفا می کند و به عنوان پایه و اساس رفتار انسانی است محسوب می شود. قسمت اعظم رفتار انسانی، چه رفتار کم اهمیت و چه رفتار بسیار مهم، براساس باورهای فرهنگی وی صورت می گیرد. از آنجا که بخش قابل توجهی از رفتارهای انسان در ارتباط با محیط پیرامونی خود از جمله شهرها می باشد. پس نتیجه می گیریم که توسعه پایدار (توسعه ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل های آتی در تأمین کردن نیازهای خود، برآورده نماید) مستلزم انجام رفتارهای خاص و ویژه در زمینه های مختلف زندگی انسانی است. (رحیمی؛ ۱۳۸۸)



مفهوم فرهنگ:

در زبان فارسی فرهنگ با مفاهیمی از قبیل علم، هنر، حرفه، فن، آموزش و آموختن، ادبیات و آداب معاشرت مترادف گردیده است در دایره المعارف بریتانیکا نزدیک به دویست تعریف گوناگون از فرهنگ ارائه شده است. از نظر «تیلور» مردم شناس انگلیسی، فرهنگ یک کلیت پیچیده است که شامل باورها، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم و هر گونه قابلیت و عاداتی است که فرد به عنوان عضو جامعه کسب می کند. فرهنگ نقش اساسی در توسعه پایدار یک کشور دارد، توجه به خرده فرهنگ ها و تقویت عناصر هویت بخش می تواند جامعه را امیدوار و سرشار از تحرک و نشاط نماید. پویایی فرهنگی در گرو پویایی عوامل آن است. هنگامی فرهنگ دچار زوال و کژراهی می شود که این عوامل دستخوش سستی شوند. همه فرهنگ ها در خود یک رشته عوامل سستی و پویایی دارند، اما در میان این و عوامل، باورها هستند که در دگرگونی و توسعه اهداف جامعه نقش کلیدی دارند. جامعه ای که بخواهد قدم در راه توسعه گذارد، ضمن آنکه باید عناصر فرهنگی سنتی را نوسازی و بازآفرینی نماید، مکلف است یک رشته خصوصیات مربوط به باورها را در فرهنگ خود نهادینه سازد از جمله:

- ۱- باور به حاکمیت نگرش علمی به برابری انسان ها ۲- باور به رعایت حقوق دیگران ۳- باور به نظم پذیری ۴- باور به آزادی سیاسی
- ۵- باور به لزوم توجه معقول به دنیا و مسائل مادی ۶- باور به تغییر و دگرگونی (تسبیحی؛ ۱۳۸۲)

توسعه فرهنگی :

توسعه فرهنگی به دنبال این است که با توجه به فرآیند مدرنیته و مدرنیزاسیون، با یک رویکرد درونی و بومی و بهره مندی از پیامدهای مؤثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش های ملی و محلی فرهنگ جامعه ی خود بپردازد و با توجه به اهمیت به نگرش های ملی و محلی، از خلاقیت های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود در دنیای حاضر بهره برد و به اشاعه و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که نشئت گرفته از ارزشهای بومی و ملی است بپردازد تا بتواند فرهنگ خود را جهانی نماید (شریتیان؛ ۱۳۸۵، ۱۶). توسعه ی فرهنگی، در قالب اهمیت دادن به ارزش های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی، به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه ی خود پاسخ دهد تا از این طریق، ایده ها، افکار و آداب و رسوم ملی و بومی جامعه خود را، در قالب ارتباطات نمادین فرهنگی و نشانه های ملی و بومی در عصر حاضر، همپای سایر فرهنگهای جوامع مؤثر در جهان اشاعه دهد. به یک اعتبار، توسعه فرهنگی را میتوان نتیجه و حاصل توسعه عمومی دانست. هدفهای توسعه و روشهای دستیابی به این هدفها، معرف انتخاب ها و گزینش هایی است که در زمینه ی ارزش ها به عمل می آید. این گزینش ها با کل نظام اجتماعی اقتصادی ارتباط پیدا میکند. توسعه فرهنگی به دنبال این است که با توجه به فرآیند مدرنیته و مدرنیزاسیون، با یک رویکرد درونی و بومی و بهره مندی از پیامدهای مؤثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش های ملی و محلی فرهنگ جامعه خود بپردازد و با توجه به اهمیت به نگرشهای ملی و محلی، از خلاقیت های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود در دنیای حاضر بهره برد و به اشاعه و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که نشئت گرفته از ارزش های بومی و ملی است بپردازد تا بتواند فرهنگ خود را جهانی نماید. از یک نظر، توسعه ی فرهنگی چیزی نیست جز برآیند توسعه ی عمومی در یک کشور. پس توجه به توسعه ی فرهنگی نمیتواند جدا از توسعه عمومی باشد. درست است که مسئولان اداری نمیتوانند برای هنرمندان و آفرینندگان تعیین تکلیف کنند، ولی از آنجا که این مسئولان اداری، خواه افرادی فرهنگی باشند، خواه افرادی صرفاً اداری، دربارهای امکانات و فراهم آوردن زمینه برای خلاقیت، دست به تصمیم گیری میزنند، ضرورت دارد که دربارهای اهمیت برنامه ی عمومی هر کشور آگاهی به دست آورند و از تأثیرگذاری این برنامه بر فرهنگ و کسانی که آن را به اجرا درمی آورند نیز اطلاع پیدا کنند. کسانی که میخواهند در برج عاج بنشینند و از واقعیت ها بگریزند، میتوانند و حق دارند به روش خود ادامه بدهند، ولی نمیتوانند دیگران را وادارند از تفکر کردن دربارهای ایجاد امکانات برای گروه های وسیع اجتماعی بهره مند یا مثلاً اهمیت برخورد کردن جوانان را از امکانات تازهی فرهنگی نادیده بگیرند. چه بسا کسانی که با بهره گیری از امکانات عمومی توانسته اند به خالقیت فرهنگی برسند و مانند گوشهگیران امروزمین به سطح درخشانی از آفرینندگی برسند (پهلوان؛ ۱۳۸۹، ۳۳) توسعه ی فرهنگی به معنای ایجاد تحول و خلق ارزش ها، روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب است که برای ارضای نیازهای آدمی، زمینه های لازم را در قالب اجتماع فراهم میکند. در مورد نقش فرهنگ در ارتباط با توسعه، برخی صاحب نظران با اهمیت دادن به نقش فرهنگ در



توسعه، فرهنگ را مجموعه ای از آرا و عقاید میدانند که ویژگی های ذیل را در خود دارد: ۱۰. مورد قبول و پذیرش اکثریت مردم است، ۲۰. پذیرش آن جنبه ی اقناعی دارد، لیکن نیازمند بحث و استدلال نیست، ۳۰. ایجاد یا شکل گیری آن نیازمند زمان است (آشوری؛ ۱۳۹۱، ۶۱۹). از این منظر، توسعه ی فرهنگی، به معنای پویایی و رشد فرهنگی است. توسعه ی فرهنگی به معنای ایجاد تحول و خلق ارزشها و روابط اخلاقی و هنجارهای مناسبی است که برای ارضای نیازهای آدمی، زمینه های لازم را در قالب اجتماع فراهم میکند. فرهنگ توسعه یافته دارای برخی ویژگی هاست که روند توسعه را تسریع میبخشد و از این حیث، توجه صاحبانظران را به خود جلب کرده است. در تعریف دیگر، توسعه ی فرهنگی فرآیندی است که طی آن، با تغییراتی در حوزه ی ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش ها، باورها و قابلیت ها، رفتار و واکنش خاصی که مناسب توسعه است در افراد جامعه به وجود آید (ازکیا و غفاری؛ ۱۳۸۴)

جایگاه و اهمیت توسعه ی فرهنگی

درباره ی جایگاه و اهمیت توسعه ی فرهنگی نکات زیر قابل تامل است: با گذشت زمان و گسترش اجتماعات توسعه یافته، مشکلات و ابعاد مخرب توسعه یافته هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم آشکارتر شد. ویرانی طبیعت، افزایش آلودگی های زیست محیطی، تداوم فقر و نابرابری های اجتماعی، شیوع فساد و ... از کارکردهای پنهان توسعه در کشورهای توسعه یافته به شمار آمده است. اما در کشورهای در حال توسعه، بعد از تلاش ها و صرف میلیاردها واحد پول ملی؛ گذشت زمان نشان داد که بسیاری از این کشورها نه تنها به توسعه دست نیافتند بلکه در وضعیت نابسامانی و پریشانی فرهنگی و سردرگمی سیاسی قرار گرفتند. البته فرایند شکست توسعه در کشورهای مختلف می تواند متفاوت باشد، مانند فقدان دولت کارآمد، عدم انباشت سرمایه، عدم وجود نیروی انسانی و ... اما آنچه به عنوان وجه مشترک در اکثر قریب به اتفاق این کشورها به عنوان عامل و دلیل اساسی می تواند مطرح باشد، این است که این کشورها به جای توسعه درون زا، به توسعه ی بیرون زا روی آورند. به عبارت دیگر توسعه را مطابق فرهنگ، تاریخ و سنت های خود آغاز نکرده بلکه هر آنچه را که در غرب اتفاق افتاده بود، کاملاً الگو قرار دادند. کشورهای غربی بر ویرانه های سنت، مدرنیته و توسعه شکوفا شدند. به عبارت دیگر آنها با دستکاری در فرهنگ و سنت خودشان، توانستند مسیر تجدد را باز کنند و به توسعه دست یابند اما کشورهای دیگر از آنجا که فرهنگ و سنت شان با فرهنگ و سنت مغرب زمین متفاوت است، نمیتوانند گام به گام مانند آنها عمل نمایند. تقلید و پیروی از الگو و شاخص های توسعه ای که در غرب اتفاق افتاده به دلیل خاستگاه بیرونی و ماهیت طبقاتی نظام سرمایه داری و ناهمخوانی با ارزش های فرهنگ خودی، در کشورهای توسعه نیافته موجب بروز تعارض روانی و بحران هویت فرهنگی شد (منبع قبل،)

ویژگی های توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی، خاصیت ملی دارد و در درون هر کشور و جامعه ی خاص انجام می شود. به عبارت دیگر توسعه فرهنگی در هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است و کشور و جامعه می تواند مبتنی بر سنت های تاریخی خود، توسعه فرهنگی خاص خود را داشته باشد. بنابراین توسعه فرهنگی با "جهانی شدن فرهنگ" متفاوت است. ۲. توسعه فرهنگی نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی، پژوهش های ژرف و تطبیقی است. بدون این پژوهش ها اقدام فرهنگی، فاقد درونگری و بی بهره از غنای لازم خواهد بود. ۳. توسعه فرهنگی مبتنی بر ارزش ها و اخلاق خاصی است. به عبارت دیگر در توسعه فرهنگی ارزش دآوری های فرهنگی وجود دارد زیرا بر اساس تعاریف مورد توافق، جدا سازی فرهنگ از ارزش ها قابل تصور نخواهد بود. بنابراین در مفهوم توسعه پایدار (که فرهنگ رکن اساسی آن است) در واقع نوعی دآوری ارزشی مبتنی بر فرهنگ، به رسمیت شناخته شده و توسعه در قالب آن مطرح شد.

متغیرهای توسعه فرهنگی



از مجموع تعاریف و نظریه هایی که درباره ی توسعه فرهنگی بیان شد، می توان مهم ترین متغیرهای توسعه فرهنگی را به قرار زیر برشمرد:

۱. عقل گرایی و اهمیت دادن به نقش عقل

۲. نگاه مثبت به دنیا و امور دنیوی

۳. رویکرد تعاملی با دیگر فرهنگ ها

۴. باور به آزادی بیان

برخی دیگر از گویه های توسعه فرهنگی عبارتند از: ۱ - میزان گسترش کمی و کیفی آموزش و پرورش ۲ - آموزش عالی ۳ - میزان ایجاد فضای مناسب برای پژوهش و آفرینندگی فرهنگی ۴ - میزان توانایی در شکوفاسازی استعداد انسانها ۵ - قانون پذیری و نظم و انضباط

رابطه توسعه پایدار و باورهای فرهنگی :

توسعه پایدار حاصل فعالیت های عمدتاً بومی و همراه با آگاهی تک تک افراد از موقعیت و وضعیت منابع طبیعی و محیط زیست است، که باید اساس توسعه جامعه انسانی قرار گیرد. انسان را به هیچ وجه نباید جدا از طبیعت، فرهنگ و محیط فرض کرد و بی توجهی به انسان به عنوان اساسی ترین رکن توسعه، از مهمترین دلایل شکست و ناکامی های نظریات توسعه است. به این لحاظ توسعه پایدار با توجه به شکست اغلب نظریات متداول توسعه، حضور فعال و مستقیم مردم را شرط توسعه می داند. فرهنگ به عنوان یک مقوله انسانی نقش مهمی در توسعه پایدار و امنیت محیط ایفا می کند. همانطور که قبلاً اشاره شد فرهنگ پایه مقوله انسانی نقش مهمی در توسعه پایدار و امنیت محیط ایفا می کند. همانطور که قبلاً اشاره شد فرهنگ پایه و اساس رفتار انسانی است. قسمت اعظم رفتار انسانی، چه رفتار کم اهمیت و چه رفتار بسیار مهم، براساس باورهای فرهنگی صورت می گیرد. هر کدام از ما می توانیم به اعمال و فعالیت هایی که طی روز انجام می دهیم از این منظر نگاه کنیم، مثلاً نوع غذا، پوشاک، نحوه احترام به دیگران و ، این فعالیت ها را بشماریم و ببینیم چه تعداد از آنها براساس «محاسبات و استدلال» انجام شده است. در صورت انجام این کار ملاحظه خواهیم کرد که فقط تعداد انگشت شماری از مجموعه رفتارهای ما براساس «محاسبات و استدلال» و قسمت عمده آن براساس باورهای فرهنگی صورت می گیرد. از آنجا که بخش قابل توجهی از رفتارهای انسان در ارتباط با محیط پیرامونی خود می باشد. پس نتیجه می گیریم از مطالب فوق چنین برمی آید که توسعه پایدار (توسعه ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل های آتی در تأمین کردن نیازهای خود، برآورده نماید) مستلزم انجام رفتارهای خاص و ویژه در زمینه های مختلف زندگی انسانی است (آشوری؛ ۱۳۹۱).

باورهای مناسب فرهنگی برای فرایند توسعه پایدار:

الف) حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه :

اولین و مهم ترین خصیصه که جریان توسعه پایدار از جنبه فرهنگی بدان نیاز دارد، این است که باید نگرش علمی بر فرهنگ جامعه حاکم شود. یعنی انسان ها باید به مجموعه آرای فرهنگی خود این تفکر را اضافه کرده باشند که هر حادثه ای علت یا عللی دارد. به عنوان مثال هر حادثه جدیدی که در ارتباط با طبیعت و محیط زیست اتفاق می افتد ناشی از عللی است که می بایست به صورت علمی کشف گردد. امروزه مشخص شده است بسیاری از بیماری های شایع، ناشی از آلودگی محیط زیست می باشد. امراضی مانند حصه، وبا، هیپاتیت و غیره، ناشی از آلودگی های آبی ست. نقص عضوها، انواع سرطان ها و بیماری های پوستی ناشی از آلودگی های هسته ای است که اثرات زیانبار آن صدها هزار سال باقی خواهد ماند. اگر انسان ها دید علمی داشته باشند، پی خواهند برد که از بین رفتن فضا و پوشش سبز طبیعی یکی از مهم ترین عوامل گرم شدن زمین است و پی خواهند برد که گرم شدن زمین باعث رخ دادن حوادث گوناگونی مانند: بروز خشکسالی و قحطی، بحران آب شرب و کشاورزی، از بین رفتن جنگلها و مزارع، نابودی گونه های گیاهی و جانوری، جاری شدن سیل و سقوط بهمن و می شود. پس اگر این آگاهی ها در قالب باور و اعتقاد علمی به فرهنگ جامعه اضافه شود، خود به



خود افراد جامعه به مسایل و پیامدهای ناشی از نابودی محیط زیست و منابع طبیعی پی خواهند برد و تک تک افراد خود را مسئول حفاظت از محیط زندگی شان می دانند.

ب) اعتقاد به برابری انسان ها و رعایت حقوق دیگران :

دومین ویژگی فرهنگی مناسب برای توسعه پایدار این است، که این فکر به عنوان تفکری فرهنگی در جامعه جا بیفتد که انسان ها به واقع با یکدیگر برابر هستند. در مطالعات علمی هیچ مبنا و معیاری برای رده بندی نژادی انسان ها و نابرابر دانستن آنها وجود ندارد. اگر جامعه انسانی به واقع در عمق باور فرهنگی ه برابری انسان ها معتقد شدند، آن وقت خود به خود بر این باور خواهند بود که برای رفاه و استفاده شخصی نباید صدمات جبران ناپذیری به طبیعت وارد سازند و نسبت به پیامدهای آن برای نسل آینده بی تفاوت باشند. اعتقاد به برابری انسان ها، افراد جامعه را ملزم به این امر می سازد همان طوری که او احتیاج به محیطی سالم برای زندگی دارد دیگران و نسل های آینده نیز نیازمند منابع طبیعی و محیطی سالم برای زندگی می باشند .

ج) اعتقاد و باور فرهنگی به آزادی بیان :

سومین ویژگی فرهنگی مناسب برای توسعه پایدار اعتقاد به آزادی بیان در جامعه می باشد. اعتقاد و باور به آزادی سیاسی و اعتقاد به بحث و گفت و گو و سعی در یافتن تفاهم عمومی باید بخشی از ارزش های فرهنگی جامعه باشد. اگر چنین اعتقاد فرهنگی در هر جامعه ای حاکم شود، افراد با نفوذ هیچ گاه به خود این اجازه را نمی دهند که به هر بهانه ای چوب حراج به منابع و ثروت ملی بزنند چرا که مورد بازخواست مردمی قرار خواهند گرفت .

د) اعتقاد و باور معنوی به منابع طبیعی و محیط زیست :

بلاخره چهارمین ویژگی فرهنگی مناسب برای توسعه پایدار این است که باور صرفاً مادی به طبیعت باید از بین برود. در فرهنگ مناسب توسعه پایدار مردم، در کنار توجه کمی به طبیعت باید به طبیعت و منابع طبیعی از بعد کیفی نیز توجه داشت. ارزش درختان را تنها به میوه و الواری که از آن به دست می آید ندانست، بلکه به آرامشی که برای روح و روان انسان، تأثیری که روی احساسات، خلق آثار هنری و سایر منافع معنوی که برای جامعه بشری دارد توجه داشت. اگر این اعتقاد در جامعه ما جا بیفتد، انسان ها نسبت به تمام جلوه های طبیعی به دیده احترام می نگرند و در محافظت از این نعمات خدادادی نهایت سعی و تلاش خود را به کار خواهند برد (قرخلو؛ ۲۲، ۱۳۹۲)

تاریخچه توسعه پایدار

آغاز آزمون هسته اصلی شاخص های CSD 1 در سطح ملی و در یک دوره زمانی بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ بود. در کارگاه بین المللی، «آغاز آزمون شاخص های توسعه پایدار» با همکاری دولت بلژیک و کاستاریکا در بلژیک و در نوامبر ۱۹۹۶ برگزار شد. تدوین کنندگان و کاربران شاخص ها، کشورهایی که قرار بود شاخص ها در آنها مورد آزمایش قرار گیرند را گرد هم آوردند تا فاز آزمایش شاخص ها در سطح ملی آغاز گردد. این آزمون از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده و این به نوع زیرساخت ها و نیز تخصصی (کارشناسی) و سهل الوصول بودن اطلاعات در هر کشور بستگی دارد. اولین گزارش واقعی که از اولین سال آزمون تهیه می شود باید توسط کشورهای داوطلب در نوامبر ۱۹۹۷ ارائه گردد. این گزارش یک ارزشیابی مقدماتی از اولین فاز آزمون خواهد بود Dpcsd. یک ساختار (چارچوب) برای گزارش کشورهای داوطلب تهیه کرده است که کشورها می توانند با کمک آن گزارشهای خود را ارزیابی و با یکدیگر مقایسه کنند . جمهوری چک پیشنهاد کرد که در نیمه دوم سال ۱۹۹۷ یک کارگاه بین المللی برگزار شود و اولین تجربیات و نتایج حاصل از آزمون مورد بحث قرار گیرد. برای انجام فعالیت های علمی، لازم است روابط متقابلی که بین شاخص ها وجود دارد شناخته شود تا ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی شاخص ها بهتر شناسایی و سنجیده شود. این فرآیند باید درباره مجموعه متعارفی از شاخص های توسعه پایدار که دارای صحت و دقت بیشتری هستند آزموده شود و نیز باید در برگیرنده دو برآورد قابل اطمینان باشد، یکی این که بتواند اصول توسعه پایدار را در محدوده خود تعریف کند و دیگر اینکه معیارهای اندازه گیری پیشرفت توسعه پایدار را به دست دهد (بدریچ مولدان، سوزان بیلهارز)



شاخص شناسی توسعه پایدار :

یک معیار اندازه گیری باید دارای واحدهایی باشد که نسبی بودن و تقریبی را بیان کند؛ این معیارها باید کلی و همه جانبه باشد به طوری که جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی، نهادینگی یا نهادی و دیگر جوانب فعالیت های بشری را که بر توسعه پایدار تأثیر می گذارند در برگیرد: در ضمن این معیارها باید جامع و فراگیر بوده و موارد زیر را به شکلی مطلوب بیان کنند: فشارهای اقتصادی، فشار وارد بر اکوسیستم ها و بافت اجتماعی و تأثیر فشارهای وارد بر شرایط فعلی یک سیستم پیچیده و عکس العملی که نسبت به این فشارها اعمال می شود. نوع و کیفیت داده هایی که ما قادر به جمع آوری آنها هستیم عامل کلیدی توانایی ما در کاربرد مؤثر و کارای این معیارهای سنجش است. به نظر می رسد استفاده از شاخص ها برای تصمیم گیران یک کشور که تصمیمات آنها بر توسعه بلند مدت و الگوهای تولید و مصرف، اثرات بلندمدت و پدیده های دارد، تنها راهی است که برای ارزیابی پایداری وجود دارد. در بین مفاهیم گوناگون، شاخص ها باید به وضوح به ما نشان دهند که آیا در مسیر درست قرار گرفته ایم یا نه و در چه جهتی حرکت می کنیم. شاخص های تدوین شده در CSD حتماً می بایست در تمام کشورها قابل استفاده باشند تا تبادل اطلاعات به منظور ایجاد یک زیربنای واحد برای ارزیابی میزان پیشرفت به سمت پایداری مقدور گردد (بدریچ مولدان، سوزان بیلهارز)

توسعه پایدار و شهرنشینی:

در حال حاضر با وجودی که بیش از نیمی از جمعیت دنیا در مناطق شهری زندگی می کنند، تغییرات در الگوی برنامه ریزی، مدیریت و توسعه این گونه مناطق می تواند به صورت بالقوه آثار عمیقی بر جای بگذارد (مایک جنکز، ۲۱۱۲). فضای شهری به عنوان فضایی که مردم بیشتر اوقات خود را در آن سپری می کنند چه اوقات فراغت و غیرفراغت نقش مهمی در سلامت جامعه به عهده دارد و با توجه به اینکه مخاطبین گسترده ای دارد در طراحی آن باید نیازهای افراد را دانست و در برآورده نمودن آنها چه نیازهای روحی و چه جسمی از قبیل مسکن، غذا و... تلاش نمود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۳). شهرها، مفاهیم بسیار اساسی نظیر «شهرنشینی»، «شهروندی»، «تمدن»، «سیاست» و «دموکراسی» را آفریده اند و باید مکان مناسبی برای زندگی انسانی، همراهی با طبیعت، اعتلا، دوام و بقا، نسل های آینده، همبستگی جمعی، پیوند اجتماعی و اعتلای فرهنگی باشند (حبیبی، ۱۳۸۶)، لذا تقریباً کلیه نیازهایی که مربوط به زندگی اجتماعی افراد می شود، باید در شهر شکل بگیرند، به عبارت دیگر شهر باید بستر مناسبی برای تحقق کلیه نیازهای اجتماعی مردم باشد، از سوی دیگر «امروزه، عرصه های جمعی و فضاهای شهری یا از میان رفته اند و یا چهره از کف داده اند. اغتشاش در محیط شهری و شکل گیری فضاهای گمشده و بی هویت، که فاقد عناصر ارتباطات اجتماعی انسان با یکدیگر و با محیط هستند، به امری عام تبدیل گشته است. نتیجه آنکه امروز در فضاهای شهری از کنار هم می گذریم بدون آنکه در تعامل و روابط چهره به چهره (از ضرورت های جامعه مدنی) قرار گیریم و یا حتی از نظر فردی در برخورد با کالبد محیط و سیمای شهری به ارضاء حس های مطلوب انسانی دست یابیم. (حبیبی، ۱۳۷۸: ۲۱) امروزه شهرها به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده اصلی کالاها و خدمات، کانون توجه بحث پایداری شده اند (اکبری نسب، ۹۳۱۳) در بسیاری از شهرهای جهان مسائل و چالش های اساسی مانند ترافیک و تراکم زمین، ساختمان های متروک و خالی از سکنه، تغییر کاربری زمین، آلودگی صوتی، آلودگی آب و بسیاری از موضوعات زیست محیطی دیگر موضوع پایداری شهرها را مطرح می کنند (عزیزی، ۱۳۸۵). شهرنشینی باعث تغییر فرم اکولوژیکی یک منطقه می شود. این تغییرات می تواند شامل موارد زیر باشد: ۱- دگرگونی در زیستگاه مانند از بین رفتن یا تکه تکه شدن پوشش گیاهی طبیعی و ایجاد انواع جدید زیستگاه ۲- دگرگونی در خدمات اکوسیستم (مانند هوا، آب و شرایط آب و هوایی، گرده افشانی) و دیگر روندهای منابع از جمله کاهش در تولید خالص اولیه، افزایش دمای منطقه ای و افول کیفیت آب و هوا ۳- دگرگونی در الگوهای آشفته گی (اختلال) و به طور معمول افزایش در فراوانی آن ۴- اختلال در تکثیر گونه ها و الگوهای فراوانی آنها، به طور عمده شامل نابودی محلی بسیاری از گونه ها که در زیستگاه های خاصی زندگی می کنند و احتیاج به زیستگاه های بزرگ دارند، قسمت های داخلی و نه حاشیه های زیستگاه را می پسندند و یا به ساختارهای گیاهی پیچیده ای نیازمند هستند لذا با توجه به مسائل و مشکلاتی که کلان شهرها دارند بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری توجه



نمود و برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی، شهر پایدار و پایداری شهری، باید برنامه ریزان، شهرسازان و مدیران شهری، با مدیریت صحیح و سالم بتوانند فضایی سالم و درخور برای مردم ایجاد کنند (عزیزی ۱۳۸۵).

مفهوم توسعه پایدار به تغییرات شهری و به فرم کالبدی شهری نیز توجه دارد و نکاتی مانند برنامه ریزی آموزشی، بهداشتی و رفاه اجتماعی را نیز در بر گرفته است. حقیقت این است که نمیتوان شهر پایدار را با دقت و وضوح تصویر کرد و در نتیجه راهکارهای دستیابی به آن را مشخص ساخت. زیرا از یک سو، مقوله پایداری از مقیاس جهانی تا مقیاس محلی (که شهر در این مقیاس است) همبسته است و از سوی دیگر، هنوز بر سر پیامدهای بسیاری از اقدامات و فرایندهای توسعه، نظریات متناقضی وجود دارد. بنابراین شهر پایدار نه به شیوهای اقتدارگرایانه و از "بالا"، بلکه به گونه ای مردم سالارانه و از "پایین" ساخته شود. طراحی پایدار در ساختار شهری بر مبنای سه اصل اساسی شکل میگیرد: اصل اول را میتوان صرفه جویی در مصرف منابع دانست که در صدد است تا با مصرف بهینه منابع، میزان کاربرد ذخایر تجدید ناپذیر را در سخت و کارکرد بناهای شهری پایین آورد. اصل دوم بر طراحی بر اساس چرخه حیات مبتنی است که نتایج و تبعات زیست محیطی کل چرخه حیات منابع ساخت و ساز شهری را از مرحله تدارک تا بازگشت به طبیعت در بر میگیرد. اصل سوم را طراحی انسانی میدانند که ریشه در نیاز به حفظ عناصر زنجیره ای نظام های زیستی دارد و تداوم حیات و بقای انسان را در پی دارد. بر این اساس طرحی شهری و معماری پایدار می بایستی کیفیت محیط های کار و زیستی را بهبود بخشد که موجب افزایش بهره وری و کاهش فشارهای روانی انسانی و بهبود شرایط زیستی میگردد که همان مفهوم رفاه اجتماعی و شهروندی را به ذهن متبادر میکند (معصومی ۱۳۹۱). بر خلاف بسیاری از متون دیگر در این زمینه، پایداری شهرها از دیدگاه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی نگاه می شود، مجموعه ای مغایرت ها و متمم های بالقوه مانند مقبولیت اجتماعی، نگرانی های زیست محیطی و رقابت نیروهای اقتصادی دیده می شوند. وظیفه چالش برانگیز برنامه ریزان مدنظر قرار دادن و حل تنش ها در این مثلث مناقشات بالقوه است. شهرها از یک سو مرکز تولید ثروت، مصرف کالا و خدمات و قطب های اقتصادی هستند و از سوی دیگر مصرف کنندگان زمین و آلوده کنندگان اصلی و عامل تولید زباله نیز می باشند. شهرها هم زمان مکانی هستند که بیشترین جمعیت جهان در آن زندگی می کنند. در نتیجه لازم است که افراد از زندگی در آن راضی باشند. وزن دهی فاکتورهای مختلف کار آسانی نیست - زبان ها و استانداردهای متفاوتی به وسیله متخصصان حرفه ای به کار گرفته شده و گروه های مختلف اجتماع با علایق و افق های زمانی متفاوت در این کار دخیل بوده اند (مایک جنکز،)

شهر اسلامی و توسعه پایدار:

پیدایش شهر اسلامی از پدیده های شگفت انگیز قرون وسطی است که مورد توجه بسیاری از خاورشناسان و محققان اسلامی قرار گرفته است. بین مفهوم شهر و جهان بینی اسلامی از ابتدای امر، روابط نزدیکی وجود داشته است به طوری که در شهر اسلامی، اولین ایده های جهان بینی اسلامی توسط افراد درک می شود. مفهوم شهر اسلامی که شرق شناسان به کار برده اند، مبتنی بر این فرض است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می کند. از آن رو، ریخت شناسی کالبدی سکونت گاه ها (شامل شهرها) نیز محصول ایمان اسلامی است و با درک درست از اسلام می توان به ساختار شهر اسلامی پی برد. طیف وسیعی از تعبیر و تفاسیر مربوط به اصطلاح شهر اسلامی را می توان در دو گروه جای داد :

- برخی منکر وجود شهر اسلامی هستند .

برخی هر آن چه را که در طول تاریخ در ممالک مسلمان نشین بنا گردیده است، شهر اسلامی می نامند. اصطلاح شهر اسلامی منوط به وجود شهری است که مبانی نظری طراحی و ساخت آن (مشمول بر اصول، ضوابط، معیارها و...) از متون اسلامی نشأت گرفته باشد؛ البته نحوه پاسخگویی به معیارهای مندرج در زمان و مکان متفاوت خواهند بود و آن چه که الیتغیر است (توجه به ماهیت ابدی بودن شریعت اسلام) اصول و مفاهیم اسلامی خواهند بود (نقی زاده، ۱۳۷۴). در این میان باید بین شهر اسلامی و شهر مسلمانان تمایز قائل شد. شهر اسلامی، مکانی است که در آن احکام اسلامی جاری بوده و براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده باشد. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می یابد (ایازی، ۱۳۸۷). در تعریفی دیگر، شهر اسلامی، شهری است که براساس مبانی و آموزه های مطابقی یا تضمینی و التزامی قرآن و



روایات صحیح بنا شده باشد. حال آن که مراد از شهر مسلمانان شهری است که «مسلمانان در آن زندگی می کنند» (شکرائی، ۱۳۸۷) شهر اسلامی پایدار بایستی، همواره در جذب عقاید جدید و خوب پیشگام باشد و آن را با شرایط محیطی، ملی و اجتماعی تطبیق دهد یا با ایجاد تغییراتی در آن، در نوآوری عقاید پیشتاز باشد. توسعه پایدار و متوازن در تمامی نواحی تحت قلمرو آن دین ایجاد شود. بدون شک، انزوا، واپس گرایی و تاجر برانزده یک شهر با هویت اسلامی نیست (رحیمی، ۱۳۸۳)

ویژگی های یک محله پایدار شهری :

دسترسی به حداقل خدمات و امکانات مورد نیاز و حمل و نقل عمومی
- حداقل میزان جمعیت و تراکم مورد نیاز به منظور پشتیبانی از امکانات و خدمات و حمل و نقل عمومی
اندازه، محدوده و تراکم توسعه در یک محله شهری با قابلیت حرکت پیاده در آن (زمان پیاده روی و فاصله از حاشیه تا مراکز محدوده)
-تراکم های مختلف (طبقه بندی شده) از حاشیه تا مرکز محلات شهری
-تراکم های مختلف (طبقه بندی شده) محلات شهری از حاشیه تا موقعیت مرکزی در شهرهای بزرگ و کوچک و قابلیت دسترسی
نواحی مرکزی محلات، مناطق و شهرهای بزرگ و کوچک.

پیشینه تحقیق

مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری (مناطق ۲۲ گانه شهر تهران) با بهره گیری از شاخص پایداری اجتماعی و استفاده از ۷ شاخص کلی پایداری اجتماعی در قالب شاخص های جمعیتی و اجتماعی، اقتصادی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، سلامت، عوامل کالبدی و شاخص امنیتی، به بررسی و تحلیل وضعیت بعد اجتماعی پایداری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران پرداخته اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مناطق ۱۲، ۳۶ و ۱ از لحاظ پایداری اجتماعی شرایط مناسب تری نسبت به دیگر مناطق شهر تهران دارا بوده و مناطق ۱۷، ۱۶، ۸، ۱۹ و ۲۱ و ۱۱ مناطق ناپایداری اجتماعی در شهر تهران طبق شاخص های مورد بررسی هستند

بابایی فرد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان رابطه بین توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی، که با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده ها، مورد بررسی قرار گرفته است به نتایج زیر دست یافت. برای سنجش توسعه فرهنگی عناصری همچون دانش، آگاهی و اطلاعات گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، که به واسطه مطالعه یا استفاده از رسانه های ارتباطی گوناگون به دست می آیند، مورد بررسی قرار گرفته اند، و برای سنجش توسعه اجتماعی نیز عناصری همچون میزان روحیه مشارکت جویی در گروه ها و تشکل های اجتماعی، تحقق عدالت، آزادی، امنیت، آسایش و رفاه در جامعه و احساس تحقق چنین عناصری در جامعه از سوی افراد جامعه، وفاداری افراد به جامعه و تلاش برای آبادانی آن مورد نظر بوده اند. این پژوهش نشان داد که توسعه فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیه فردگرایی، در معنای اصالت فردیت، فقدان شرایط تکثر فکری و فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی، مواجه است. مسلماً چنین پدیده ای می تواند نقش اساسی در عدم توسعه اجتماعی داشته باشد. فرض اساسی این پژوهش این بود که فرهنگ یک متغیر بسیار مهم در دگرگونی های اجتماعی است؛ در نتیجه، تحقق توسعه فرهنگی پیش شرط بنیادی توسعه اجتماعی است. دیدگاه های نظری و یافته های پژوهش های تجربی در ایران، به ویژه پژوهش انجام شده، نیز این قضیه را مورد تأیید قرار داده اند. غلامرضا لطیفی (۱۳۸۲) در مطالعه ای با عنوان "توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی" به نتایج زیر دست یافت: امروزه برنامه های رشد و توسعه بدون در نظر گرفتن جایگاه و نقش برنامه ریزی فرهنگی نمی توانند از موفقیت کاملی برخوردار باشند؛ شناخت فرهنگی مستلزم مطالعات پایه در رشته های تخصصی مربوط است. ساز و کار رشد سریع در بیشتر مواقع بدون در نظر گرفتن جنبه های



اجتماعی و فرهنگی صورت می گیرد. علاوه بر آن، توسعه پایدار شهری مادام که فقر و فاقه ریشه کن نشده باشد، به رهیافتی مناسب دست نخواهد یافت. مشارکت در برنامه ریزی های شهری، رکن رکن برنامه ریزی های شهری است و برنامه ریزی باید از حالت آمرانه خارج گردد و به شیوه ها و ساز و کارهایی رو آورد که با در نظر گرفتن معیارهای فرهنگی بتواند به نتایج لازم دست یابد.

مواد و روش:

پژوهش حاضر از نظر روش شناسی بر اساس هدف از نوع بنیادی نظری و کیفی است. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه های توسعه پایدار می باشد و بر اساس ماهیت از روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده ها از طریق مطالعات کتابخانه ای - اسنادی، مشاهدات میدانی گردآوری شده است.

نتیجه گیری

در ابتدای قرن ۲۱ قری که در آن بایستی خرد، اندیشه و هنر که در واقع بازتاب اسرار روح و اندیشه آدمی است، به صورت عشق و دوستی که نماد بلوغ فکری انسان این قرن است، در قالب فرهنگ ملت ها، جوامع و فضاهای جغرافیایی را به توسعه ای پایدار رهنمون شود. توسعه پایدار مرهون ابعاد مختلف اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی است. بعد فرهنگی تنها یکی از اجزای توسعه نیست، بلکه عامل اساسی است. یعنی توسعه ای که نتواند حیات فرهنگی را تشخیص دهد و از آن بهره مند شود یا از نظام های ارزشی، سنت ها، باورها و... چشم پوشی کند، موفق نخواهد بود. فرهنگ و ارزش های فرهنگی، هویت و روح یک ملت است. فرهنگ به عنوان یک عامل تعیین کننده رفتاری همواره در عرصه اجتماع مطرح است، چرا که در آن مجموعه عقاید، سنتها، باورها، الگوهای رفتاری و در یک کلمه بینش انسان متبلور می باشد. فرهنگ است که اولویت های انسان را در دستیابی به اهداف مادی و معنوی و معیار نیک و بد، صحیح و غلط، زشت و زیبا معین می کند. فرهنگ، اجتماعات و جوامع را از هم متمایز می کند و به انسانها حس هویت، تعلق خاطر، همبستگی، حق و تکلیف، وفاداری و... می بخشد. در واقع انسان را به هیچ وجه نباید جدا از طبیعت، فرهنگ و محیط فرض کرد و بی توجهی به انسان به عنوان اساسی ترین رکن توسعه، از مهمترین دلایل شکست و ناکامی های فرآیند توسعه است. همچنین توسعه پایدار به مفهوم توسعه ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل های آتی در تأمین کردن نیازهای خود، برآورده می نماید مستلزم انجام رفتارهای خاص و ویژه در زمینه های مختلف فرهنگی زندگی انسان است. توسعه پایدار مبین توسعه ای است متعادل، همه سونگر و عدالت محور. در واقع توسعه ی پایدار نشانگر فرآیندی است که در طی آن باید پایداری اتفاق بیفتد و پایداری مجموعه ای از وضعیت هاست که در طول زمان باید دوام داشته باشد. فرهنگ به عنوان یک مقوله انسانی نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می کند. فرهنگ پایه و اساس رفتار انسانی است. قسمت اعظم رفتار انسانی، چه رفتار کم اهمیت و چه رفتار بسیار مهم، براساس باورهای فرهنگی صورت می گیرد. نتایج تحقیقات مرتبط نشان می دهد که دستیابی به مالک های توسعه به عوامل مختلفی بستگی دارد که مهم ترین این عوامل وجود باورهای فرهنگی مناسب در جامعه است (فیض پور؛ ۱۳۹۳). آموزش و توانمند سازی شهروندان برای ارتقاء دانش، تقویت مهارت ها، کسب عادت های صحیح زندگی اجتماعی و رفتارهای مطلوب شهروندی از جمله ضرورت های جامعه شهری در توسعه فرهنگ شهروندی قلمداد می شود. برای رسیدن به پایداری شهری توجه به نقش مردم و شهروندان از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که نیل به راهبردهای شهر پایدار را بهتر و سریع تر امکان پذیر می سازد. باید توجه داشت فرهنگ شهری ابزاری است که به وسیله آن می توان توسعه پایدار شهری را به وجود آورد. در چنین فرایندی مدیریت شهری به خصوص شهرداری ها، می توانند به عنوان کارگزاران محلی به بهبود مناسبات فرهنگی و اجتماعی شهروندان کمک کنند. از نظر فرهنگی شهر خوب و مطلوب علاوه بر مدیریت



شهری کارآمد نیازمند شهروندانی آگاه و آشنا به فرهنگ شهروندی است. بنابراین مدیریت شهری باید برای آگاه سازی عمومی و ایجاد و ارتقاء فرهنگ شهرنشینی، گسترش شهروندمداری و آموزش شهروندان در زمینه های مختلف، کارکرد و فعالیت فرهنگی داشته باشد. مدیریت شهری در فرآیند تحول و توسعه شهری نه فقط در ابعاد اقتصادی و عمرانی آن نقش و جایگاه ویژه ای دارند بلکه با تغییر و تحولات پر شتاب اجتماعی و فرهنگی و گسترش جمعیت شهرنشینی، باید برای پاسخ گویی به مطالبات فزاینده فرهنگی و اجتماعی اسباب و تمهیدات لازم را فراهم کنند. شهرها که در مسیر برنامه ریزی های توسعه شهری به سمت پایداری، به مشارکت بیشتر شهروندان بویژه در زمینه های فرهنگی نیاز دارد. شهرداری ها در توسعه شهری سهم و نقش اصلی دارند و توجه به توسعه شهری صرفاً در ابعاد اجتماعی و عمرانی هرگز نتوانسته است در نبود توجه به فرهنگ، آن تغییر و تحولاتی که لازمه ایجاد شهر پایدار مبتنی بر مناسبات فرهنگی اجتماعی باشد، ایجاد نماید. شهرداری ها و سازمان های متولی امور شهری باید در راستای پاسخگویی به مطالبات فزاینده فرهنگی اجتماعی، اسباب و تمهیدات لازم آن را فراهم آورند. همچنین لازم است توجه به فرهنگ شهری و حفظ آن؛ بعنوان مهمترین دغدغه متولیان توسعه شهری در اولویت برنامه های مدیریتی قرار گیرد تا بتوان دستاوردهای مهم در به مشارکت گرفتن اندیشه و تفکر شهروندان و ایفای نقش شهروندی در مدیریت شهری را شاهد باشیم.

پیشنهادهای

تاکید بیشتر رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما در فراهم آوردن بستر مناسب جهت گسترش آموزه های فرهنگی مثبت

۲- استفاده از فضای مجازی در ترویج فضائل اخلاقی و فرهنگ اصیل ایرانی.

۳- برگزاری دوره هایی برای معلمان و مربیان کودکان در خصوص پرورش دانش آموزان به عنوان انسانی که به طور مسالمت آمیز در کنار سایر انسانها زندگی کنند.

۴- تغییر نگاه شهرداری به عنوان متولی امور شهری از کارهای صرفاً عمرانی به امور اجتماعی و شکوفایی فرهنگی

منابع

۱. آتیشین بار، محمد (۱۳۸۸)، تدوام هویت در منظر شهری، تهران، نشریه باغ نظر، شماره ۳
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۷۷)، توسعه ی روستایی با تأکید بر جامعه ی روستایی ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳
۳. آشوری، داریوش (۱۳۷۵)، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا
۴. اکبری نسب، علی، فراهانی فرد، میثم (۱۳۹۳) آشنایی با توسعه پایدار، ماهنامه علمی اجتماعی و اقتصادی جهاد، شماره ۱۷۳-۱۷۲
۵. بدریچ، مولدان؛ بیلهارز، سوزان، (۲۰۰۲)، شاخص های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی، دکتر ناصر محرم نژاد، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست
۶. پهلوان، چنگیز، نقد و نظرهایی درباره ی سیاست و توسعه ی فرهنگی، مجله ی کلک، شماره ی ۱۹ و ۱۸، ۱۳۷۱، ص ۲۱ تا ۳۰
۷. تسبیحی، اکبر (۱۳۸۲) "توسعه پایدار و امنیت اجتماعی" نشریه ره آورد مدیریت نظامی، سال چهارم، شماره ۱۱
۸. رحیمی، حسین، (۱۳۸۸)، فرهنگ و توسعه پایدار، مجله سیاسی- اقتصادی، شماره، ۱۶۸-۱۶۷ صفحه ۱۴۵
۹. شریتیان، مزدک و عبدالحسین پور، فرید (۱۳۸۵) پایداری شهری با نگاهی به ویژگی های شهرهای ایران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر سازمان عمران شهرداری همدان، مرداد ۲۱- ۱۳۸۵
۱۰. شکرانی، رضا (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگ اسلامی در مولفه ها و ویژگی های شهرسازی، نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۱۱. عباسپور، مجید (۱۳۸۶)، انرژی، محیط زیست و توسعه پایدار، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف
۱۲. عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاه های جهانی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، سال یازدهم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان.
۱۳. عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، توسعه شهری پایدار، نشریه صفه، شماره ۳۳، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۱۴. قرخلو، مهدی؛ ناصح عبدی ینگ کند؛ زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸)، تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه غیررسمی (مورد: شهر سنندج)، نشریه پژوهش های جغرافیای انسانی، ۶۹
۱۵. قرخلو، مهدی و حسینی، سید هادی (۱۳۸۵)، شاخص های توسعه پایدار شهری، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۵
۱۶. معصومی، مجید، (۱۳۷۸)، مؤلفه های علمی و توسعه پایدار در محیط زیست، همایش محیط زیست و توسعه، دانشگاه تهران.
۱۷. نقی زاده، محمد (۱۳۹۱)، تاملی در چیستی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی- اسلامی، شماره یکم، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران

Cultural index of Sustainable Urban Development

Zohreh Ahmadi

**Master of Arts, archaeology, Islamic Free University
 of the Abhaar unit**

1-1- Abstract

Cultural development means creating transformation and creating appropriate values, moral relationships and norms that provide the necessary conditions in the form of society to satisfy human needs. Cultural development in each country is different from other countries, and the country and society can have their own cultural development based on their historical traditions. In this study, given the theoretical foundations of Sustainable Development, a brief look at the concept of Culture, growth and development, cultural development and... It is. The present research is methodologically based on the objective of the fundamental theoretical and qualitative type. The theoretical framework of this research is based on theories of sustainable development and is based on the nature of the method of the descriptive - analytical type. The data is compiled through library - document studies, field observations. The results of the cultural index of the city as one of the criteria for Urban Development and sustainability must be realized so that cities do not achieve sustainable development. The research made suggestions..

1-2- Keywords: Sustainable Urban Development, Cultural Development, Sustainable Development and urbanization